

تحلیل انتقادی سلوک معنوی مطرح شده در کتاب راز (فرضیه جذب)

سیدعلی سراج*

چکیده

به دنبال مبنا قرار گرفتن جریان مدرنیته و پارادایم پوزیتویسم در سطح زندگی بشری، بحران‌های اخلاقی در ابعاد مختلف، در دنیای غرب شکل گرفت. از این رو پایه‌های فکری - اندیشه‌ای آن به شدت از سوی مکاتب رقیب، نقد شد. بر همین مبنا سرمداران نظام سرمایه‌داری برای تحکیم پایه‌های معرفتی خود، با عنصری دیگر به نام عرفان در تثبیت نوع نگرش خود می‌کوشد که در ظاهر به دنبال دستیابی به آرامش - روحی روانی افراد است. داستان راز اثر راندا برن از جمله آثار در این درون‌مایه است که در سال‌های اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته است و طرفداران زیادی پیدا کرده است. این اثر در روش و رویکرد خود به نوعی سلوک عرفانی معتقد است که انسان با محوریت قراردادن تفکر و پشتکار، امید و آرزو، توجه به شعورمندی موجودات و عشق و خودشناسی، می‌تواند به همه آرزوها و خواسته‌های مادی خود دست یابد. در پژوهش حاضر با نگرش انتقادی به تطبیق درون‌مایه‌های این اثر با آثار عرفانی و تعلیمی فارسی پرداخته شده است. اجمالاً یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد اگرچه در ظاهر اثر، نوعی وجه مشترک با آثار عرفانی ادب فارسی مشاهده می‌شود، هدف و درون‌مایه اصلی اثر، به دلیل توجه صرف به مسائل مادی و خواسته‌های نفسانی انسان، در راستای اهداف نظام سرمایه‌داری به‌عنوان محور اصلی مدرنیته است.

کلیدواژه‌ها: سرمایه‌داری، از خودبیگانگی، بحران معنا، راز، عرفان.

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه نیشابور، ali_dasp@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۰



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه و بیان مسأله

پس به صورت عالم اصغر تویی پس به معنی عالم اکبر تویی
(مولوی، ۱۳۷۴: ۵۷۸)

در اثر تغییر و تحولات زیربنایی سیاسی - اجتماعی در دنیای غرب در قالب رنسانس و نگرش‌های نظام سرمایه‌داری شاهد مبنا قرار گرفتن مقولاتی چون رشد فزاینده فردگرایی، روحیه حسابگری، منفعت‌طلبی، اصالت سود و اصالت لذت (گاردنر، ۱۳۸۶)، مبنا قرار گرفتن عقلانیت ابزاری صرف، از خودبیگانگی و شی‌وارگی انسان‌ها، خلأ معنا، یأس، بی‌هدفی و تلاش‌های بی‌ثمر، درماندگی و ضعف بشر، بی‌رحمی و شیادی، ضعف جهان در برآوردن نیازها، جنایت، تبهکاری اجتماعی، ابهام اخلاقی، فقدان قطعیت و رواج نسبی‌گرایی، واژگونی ارزش‌های سنتی و تسلیم تقدیرگرایی و... در ساحت بشر غربی هستیم (صادقی فسایی، و عرفان منش، ۱۳۹۴: ۶۵-۷۰). بر همین مبنا اندیشمندان کلیدی غرب هرکدام برای تحلیل و تبیین وضع موجود از اصلاحات خاص استفاده می‌کنند. مکس وبر صحبت از قفس آهنین بروکراسی و از خودبیگانگی انسان‌های در چنگال عقلانیت ابزاری می‌کند (وبر ۱۳۹۲: ۱۸۷-۱۷۹)، گئورگ زیمل دیگر اندیشمند مهم غربی، برای تحلیل شرایط فعلی حاکم بر زندگی بشریت از تراژدی فرهنگ یاد می‌کند (زیمل، ۱۳۷۳: ۳۲۵)، آنتونی گیدنز، یکی از جامعه‌شناسان به‌نام، از وضع موجد تحت عنوان مدرنیته متأخر یاد کرده است (گیدنز ۱۳۹۲: ۴۸) و یورگن هابرماس، یکی از مهم‌ترین اندیشمندان انتقادی، صحبت از عقلانیت تفهیمی در مقابل عقلانیت ابزاری می‌کند (بشیریه، ۱۳۸۹: ۲۳۴).

به‌طور کلی باید گفت که تفکری که پس از رنسانس و عصر روشنگری در مغرب زمین حاکم شده، بر سه اساس بوده است: اول اومانیزم یا انسان‌گرایی افراطی، دوم لیبرالیسم یا اصالت افراطی به آزادی و انکار ارزش‌های اخلاقی و سوم سکولاریسم یا دنیاگرایی. در سیر ظهور و برقراری این ایسم‌ها، فرهنگ، سیاست، اقتصاد و روان‌شناسی به عنوان نمودهای مختلف زندگی اجتماعی انسان غربی، تعریفی دیگر یافته‌اند و همه در خدمت ساختن بهشتی بریده از خدا در عرصه خاک قرار گرفتند و می‌کوشند به عطش معنوی بشر جدید پاسخ دهند. (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۵: ۱۵ و لطیفی و استکی، ۱۳۹۳: ۹۰). روانشناسی غرب اگرچه از درون دچار چالشی عمیق و فراگیر است، با تسلط بر بیشتر

امکانات و ظرفیت‌های اطلاعاتی و ارتباطی جهان، سعی در تحمیل الگوهای ناقص خویش به تمام جهان دارد. مکاتب غربی با رویکردهای مختلف، به توضیح کیستی و چیستی انسان پرداخته و هرکدام از انسان و ماهیت انسان تعریفی ارائه داده‌اند که ترویج عرفان‌های نوین نیز در همین راستا قرار دارد.

واکاوی و تحلیل بسترهای شکل‌گیری آثار عرفانی - تعلیمی در جهان کنونی و در پی تحولات و انقلاب‌های علمی، از مسائلی است که تاکنون به صورت دقیق و در قالب بافت موقعیتی شکل‌گیری این آثار، بررسی نشده است.

آنچه در این پژوهش تعقیب می‌شود بررسی طرز تلقی از ذات و طبع بشری در کتاب راز است. این اثر یکی از آثاری است که بیشترین بازتاب را در زمانه خود داشته است. مهمترین مسأله این است که این اثر چه موضوعی را مطرح می‌کند که این همه مورد استقبال مخاطبان قرار گرفته است؟

مهمترین یافته پژوهش حاضر این است که در این اثر تکه‌هایی از پازل فرهنگ سیاسی و اجتماعی رایج زمانه را می‌توان مشاهده کرد. کتاب راز، وسیله ابراز عقاید سیاسی و اجتماعی دوره خودش محسوب می‌شود. در این مقاله با روش توصیفی و تفسیری و صرفاً مبتنی بر داده‌های درون متنی به تحلیل و طبقه‌بندی درونمایه‌های این اثر پرداخته شده است.

کتاب راز نوشته راندا برن، مجموعه مطالبی در قالب داستان است و معروف‌ترین کتاب در زمینه قانون جذب است. این اثر از روی مستند راز نوشته شده است. این کتاب تاکنون به ۴۴ زبان ترجمه شده است و ۲۱ میلیون نسخه از آن فروش رفته است.

نویسنده معتقد است با خواندن کتاب راز و با آگاهی از قانون راز متوجه خواهی شد که چگونه می‌توانی به تمام خواسته‌هایت دست‌یابی و به قدرت و نیروی پنهان در وجودت واقف شوی. نیرویی که در این کتاب از آن بحث شده است، نیرویی است که با آشکار نمودن آن می‌توان سلامتی، ثروت و شادی به دست آورد. (برن، ۱۳۹۳)

این کتاب در ظاهر بسیار با اندیشه‌های ناب عرفانی فارسی شباهت دارد و کتاب راز و درون‌مایه اصلی آن یعنی قانون جذب، به‌عنوان یک قاعده عرفانی مطرح شده است و طرفداران زیادی دارد. طرفداران این نظریه نیز خود را عارف و سالک طریق می‌دانند و بدون ملاحظات اخلاقی و خودسازی و تزکیه نفس و تکیه بر اصول سلوک، به پیروان خود

نیز تلقین می‌کنند که سالک و عارف‌اند. در پژوهش حاضر ابتدا قاعده عرفانی مطرح شده در این اثر تبیین شده است و با آثار عرفانی فارسی تطبیق داده شده است و سپس وجوه ممیزه این اثر نسبت به آثار برجسته عرفانی مشخص شده است.

تأکید بر قدرت عشق (برن، ۱۳۹۳: ۵۰-۵۱، ۱۴۲، ۱۴۴ و ۱۵۱)؛ شکرگزاری (صص ۴۹، ۹۱، ۹۳ و ۹۵)؛ شعورمندی موجودات (صص ۵۲، ۶۵، ۶۹، ۷۰، ۱۸۵، ۱۸۹، ۱۹۰)؛ تلاش و پشتکار (صص ۷۰، ۱۰۶، ۱۱۰)؛ تفکر مثبت و امید داشتن (صص ۶۷، ۷۲)؛ مراقبه و دعا (صص ۳۴، ۶۸، ۱۴۵)؛ خودشناسی و شعور خلاق انسان (صص ۳۲، ۳۴، ۲۱۳-۲۱۴) از مهمترین موضوعات و مضامین کتاب راز است؛ اما در هدف و نتیجه، غایت کار تئوری راز، رسیدن به مقام و ثروت و موقعیت‌های مادی است و همین نکات وجه تمایز این اثر است که نشان می‌دهد در هدف و غایت با آثار عرفانی کاملاً متمایز است.

۲. معرفی نویسنده و کتاب

راندا برن (Rhonda Byrne) نویسنده و تهیه‌کننده استرالیایی معاصر در اوج چالش‌های زندگی و درست وقتی که ناامیدی ناشی از مرگ پدر و تنش‌های شغلی و معیشتی، وی را تا آستانه از پا در آمدن پیش می‌برد، به طور اتفاقی با کتاب «دانش ثروتمند شدن» اثر والاس دی واتلز آشنا می‌شود که تحت تعالیم این کتاب، سیر زندگی وی به یکباره متحول می‌گردد. از جمله آموزه‌های کتاب مذکور که هم در زندگی عملی برن و هم در برترین اثر وی یعنی کتاب راز جلوه‌ای انکارناپذیر دارد، اصل تمرکز ذهنی - عملی مبتنی بر ایمان بی چون و چرا به تحقق اهداف و خواسته‌ها تا نیل به موفقیت است.

شایان ذکر است که موفقیت مورد نظر واتلز و برن عمدتاً سویه فیزیکی و اجتماعی دارد و کمتر متوجه توفیقات متافیزیکی و روحانی و عرفانی است اما واقعیت آن است که همان موفقیت دنیاگرایانه نیز در کتاب راز آنچنان با استخدام و پردازش به جا و گیرای مقولاتی دینی و مذهبی مانند معجزه‌باوری، سپاسگزاری و خداگرایی بیان شده است که اکثر افراد این اثر را کتابی با تعالیم متافیزیک می‌شناسند و به همین سبب بیراه نیست اگر آن را در عین آلودگی به گرایش‌های ماتریالیستی و اومانستی، نمونه‌ای مناسب نیز برای ترغیب نامحسوس و تدریجی انسان مدرن به گرایش به متافیزیک معرفی کرد.

کتاب راز مجموعه مطالبی در قالب داستان و یکی از معروف‌ترین آثار در جهان در زمینه ماهیت، قانون و شیوه‌های جذب است. این اثر از روی مستند راز نوشته شده است. این کتاب تاکنون به ۴۴ زبان ترجمه شده است و ۲۱ میلیون نسخه از آن فروش رفته است. نویسندگان معتقدند، با خواندن کتاب راز و با آگاهی از قانون راز متوجه خواهی شد که چگونه می‌توانی به تمام خواسته‌هایت دست‌یابی و به قدرت و نیروی پنهان در وجودت واقف شوی. نیرویی که در این کتاب از آن بحث شده است، نیرویی است که با آشکار نمودن آن می‌توان سلامتی، ثروت و شادی به دست آورد.

نظریه پردازان عصر جدید، به‌ویژه کسانی که در زمینه دین در دنیای امروز، سخن گفته‌اند، به ارزش و اهمیت راز پرداخته‌اند و خواندن آن را تبلیغ کرده‌اند. (هی، ۱۳۷۵: ۱۱۸-۱۲۲)

از نکات قابل توجه درباره این کتاب این است که در ظاهر بسیار با اندیشه‌های ناب عرفانی فارسی شباهت دارد و درون‌مایه اصلی آن یعنی قانون جذب، به‌عنوان یک قاعده عرفانی مطرح شده است و طرفداران زیادی دارد. در پژوهش حاضر ضمن برشمردن وجوه اشتراک و پاره‌ای از موضوعات و درون‌مایه‌های اثر که از عناصر عرفان اسلامی است و در امهات متون عرفانی نیز مورد توجه قرار گرفته است، به تفاوت آن با عرفان اسلامی و نقاط ضعف این اثر (داستان راز) پرداخته می‌شود.

بنابراین همان‌گونه که در عنوان اثر ذکر شده است، «ظاهر زیبا نمی‌آید به کار»، این اثر نیز از نتایج تحولات سیاسی اجتماعی قرن بیستم و بحران‌های جهان مدرن است که در قالب دین نوین عصر جدید، ظهور پیدا کرده است؛ ولی در عمل در خدمت نظام سرمایه‌داری است.

۳. گفتمان غالب و درون‌مایه اثر

کتاب راز که به موضوع قانون جذب پرداخته، بیانگر ایده‌ای است که معتقد است افکار انسان خاصیت مغناطیسی دارد و قادر است در زندگی هر فردی تغییر ایجاد کند.

نسل حاضر نسلی است که تاریخ را تغییر می‌دهد، چون ما اطلاعاتی را دریافت می‌کنیم که موجب رهایی مان از این بیماری واگیردار می‌شود و این مورد از خودت شروع می‌-

شود و تو باید در جنبش این فکر جدید از طریق صرفاً فکر کردن و حرف زدن راجع به آنچه می‌خواهی، پیشگام شوی. (برن، ۱۳۹۳: ۲۳)

نکته مهم درباره افکار انسان آن است که افکار خوب مانند امید، اعتماد، ایمان و خوش بینی می‌توانند خوشبختی و ثروت به ارمغان آورند؛ درحالی‌که افکار بد مانند منفی، ترس و خشم می‌تواند مانع خوشبختی باشد.

اگر مدت‌زمانی طولانی روی افکار منفی سماجت کنی، سروکله آن‌ها در زندگی تو پیدا می‌شود. اگر بابت داشتن افکار منفی نگران باشی، نگرانی بیشتری در مورد افکار منفی - ات جذب می‌کنی و درعین حال مقدار آن‌ها چندین و چند برابر می‌شود. از همین حالا تصمیم بگیر که افکار خوب به ذهن راه دهی. در ضمن به کائنات اعلام کن که تمام افکار خوب تو قدرتمند است و هر نوع افکار منفی ضعیف است. (همان: ۳۳)

بنابراین هر چیز چیزهای شبیه خودش را جذب می‌کند. (همان: ۱۷-۱۸) این همان موضوع «سنخیت و جذب» است که مولوی بسیار به آن پرداخته است و از موضوعات مورد توجه عرفاست. «سنخیت و جذب از بن‌مایه‌های اندیشه مولوی در مثنوی است و در ۴۵ موضع و ۱۰۹ بیت به آن پرداخته است.» (مرتضوی باروق، ۱۳۸۴: ۵۶)

مولوی درباره جنسیت و جذب معتقد است:

چيست جنسيت يکي نوع نظر که بدان يابنده در همدگر
آن نظر که کرد حق در وی نهان چون نهد در تو، تو گردی جنس آن

(مولوی، ۱۳۷۴: ۱۰۵۴)

مولوی در جای دیگر می‌فرماید:

خوب خوبی را کند جذب این بدان طيبات و طيبين بروی بخوان
در جهان هر چیز چیزی جذب کرد گرم گرمی را کشید و سرد سرد

(همان، ۱۸۴)

بنابراین وقتی به موضعی فکر می‌کنی و اندیشه‌ای را در ذهنت پرورش می‌دهی، افکار مشابه آن را هم به طرف خودت جذب می‌کنی. انسان زندگی‌اش را با افکارش می‌سازد و هرگونه که اندیشه کنی، زندگی همان می‌شود.

تحلیل انتقادی سلوک معنوی مطرح شده در کتاب راز ... (سیدعلی سراج) ۵۹

ای برادر تو همه اندیشه‌های مابقی خود استخوان و ریشه‌ای
گرت گل است اندیشه تو گلشنی و بر بود خاری تو هیمة گلخنی

(همان، ۱۹۲)

در کتاب راز نیز آمده که هر چه در زندگی انسان اتفاق می‌افتد، نتیجه عمل و اندیشه خود اوست و هر چه از وی سر می‌زند، نتیجه اندیشه اوست. «هر آن چه را بر آن تمرکز و در موردش فکر می‌کنی، بر تو منعکس می‌شود. با این آگاهی قدرتمند، خودت از طریق تحول فکری می‌توانی کاملاً اوضاع و شرایط زندگی‌ات را تغییر دهی. تو می‌توانی آگاهانه افکار خودت و زندگی‌ات را متحول کنی.» (برن، ۱۳۹۳: ۲۸ - ۳۰).

مولوی نیز معتقد است انسان هر آنچه را می‌خواهد باید از درون خودش شروع کند.

ای نسخه نامه الهی که تویی وی آینه جمال شاهی که تویی
بیرون ز تو نیست هر چه در عالم هست در خود بطلب هر آنچه خواهی که تویی

(مولوی، دیوان شمس، ۱۷۵۹)

۴. مهم‌ترین درون‌مایه‌های راز و مقایسه آن با سلوک معنوی و عرفانی فارسی

همان‌گونه که اشاره شد طرفداران کتاب راز، معتقدند این نوع نگاه و تفکر، نوعی سلوک عرفانی است. در ذیل مهم‌ترین مضامین و درون‌مایه‌های این اثر که با عناصر ادب عرفانی مشترک است، بررسی می‌شود.

۱.۴ قدرت عشق (قدرت غیرقابل وصف عشق)

وقتی پای عشق واقعی در میان بیاید هر کاری انجام‌شدنی است. برای هر موفقیتی و برای رسیدن به هر هدفی باید شیفتگی و دلدادگی و عشق و شور و اشتیاق لازم در درونت ایجاد شود.

هیچ قدرتی در عالم بزرگ‌تر از قدرت عشق نیست. احساس عشق بالاترین فرکانسی است که می‌توان از خودت ساطع کنی. اگر می‌توانستی هر فکرت را در لفاف عشق

بیچی، اگر می‌توانستی هر چیز و هر کس را دوست داشته باشی، زندگی‌ات متحول می‌شد. (برن، ۱۳۹۳: ۵۰-۵۱)

همان‌گونه که عاشق در راه رسیدن به معشوق سعی می‌کند به‌طور کامل خودش را تسلیم خواسته معشوق کند و تمام اعمال و رفتارش شبیه و مطابق خواست معشوق باشد، برای رسیدن به خواسته‌ها و آرزوها هم باید، به‌طور کامل خود را وقف آن کرد و عاشق آن خواسته و آرزو شد تا بتوان به آرزوها و خواسته‌ها دست یافت.

عشق همه‌چیز و همه‌کس توست. فقط خواست را متوجه چیزهایی که دوست داری کن، آن را حس کن. در این صورت تجربه بازگشت این عشق و لذت را به‌سوی خودت حس خواهی کرد. وقتی تو عشق از خود ساطع کنی، طوری خود را نشان می‌دهد که گویی کل عالم هر کاری برای تو می‌کند. (همان، ۱۴۴)

فرمان بردن از هدف و خواسته و عاشق آن شدن، نیرویی است مثبت و سازنده که هر کس بدان رخنه تواند کرد، به حقیقت کیمیاگری کرده؛ چراکه به‌راستی گنج حقیقی و کیمیایی که باعث می‌شود به آرزو و هدف دست‌یابی، عشق ورزیدن است و در این فرایند کیمیاگرانه، عشق نقش اکسیر و مبدل را بازی می‌کند؛ به تعبیر حافظ:

دست از مس وجود چو مردان ره بشوی تا کیمیای عشق بیایی و زر شوی

(حافظ ۱۳۷۹: ۱۷۱)

تنها از این راه است که انسان می‌تواند به کشف گنجینه‌ای که برای هر آدمی، مدفون‌شده نائل شود؛ چنانکه حافظ، عاشق شدن را تنها راه کشف اسرار هستی معرفی می‌کند:

عاشق شو ار نه روزی کار جهان سر آید ناخوانده نقش مقصود از کارگاه هستی

(همان، ۱۵۲)

عشق و قدردانی تمام منفی‌ها را در زندگی مان برطرف می‌کند و مهم نیست که چه شکلی به خودشان گرفته باشند. عشق و قدردانی می‌تواند دریا را بشکافد، کوه‌ها را به حرکت درآورد و اعجاز بیافریند. عشق و می‌تواند هر نوع بیماری را زایل کند. (برن، ۱۳۹۳: ۱۵۱)

این همان قدرت کیمیاگری عشق است که به قول مولوی همه‌چیز را به کمال می‌رساند.

تحلیل انتقادی سلوک معنوی مطرح شده در کتاب راز ... (سیدعلی سراج) ۶۱

از محبت تلخ‌ها شیرین شود وز محبت مس‌ها زرین شود
از محبت دُردها صافی شود وز محبت دَردها شافی شود
از محبت خارها گل می‌شود وز محبت سرکه‌ها مل می‌شود

(مولوی، ۱۳۷۴: ۲۴۳)

وقتی کسی دنبال هدفی است، نباید زیاد خود را مقید به موانع و مشکلات سر راه کند، باید دل به دریا بزند و تا جایی که می‌تواند تلاش کند.

انرژی نامحدود و احساس شگفت‌انگیز سلامتی و سعادت، همه و همه روی فرکانس احساس خوب قرار دارد. وقتی در مورد خودت حس خوبی نداشته باشی، روی فرکانسی هستی که مردم، موقعیت‌ها و شرایط بیشتری را که حال تو را بدتر می‌کنند، جذب می‌کنی. (برن، ۱۳۹۳: ۱۴۲)

عشق نیرویی است که روح جهان را دگرگون می‌سازد. و به قول مولوی «عشق اسطربلاب اسرار خداست» (مولوی، ۱۳۷۴: ۹)

۲.۴ شکرگزاری

برن معتقد است، قدرتمندترین نیرو شکرگزاری است.

با آن‌همه مطلبی که خواندم و تمام واردی که با استفاده از راز در زندگی‌ام رخ داد، فهمیدم قدرت شکرگزاری و سپاس یکسر و گردن از هر چیز دیگری بالاتر است. اگر تو با آگاهی از راز فقط می‌خواهی یک کار انجام دهی، صرفاً شکرگزاری را شیوه زندگی‌ات کن. (برن، ۱۳۹۳: ۴۹)

مقصود از شکر، شناختن نعمت از منعم است، و اینکه همه نعمت‌ها را از او بدانی و در این حالت، شکر نعمت باعث افزونی نعمت می‌گردد.

شکر نعمت نعمت افزون کند کفر نعمت از کفایت بیرون کند

(مولوی، ۱۳۷۴: ۴۵)

برن نیز معتقد است شکر نعمت باعث افزونی نعمت است:

خدا را بابت هر آنچه اکنون داری شکر کن به محض اینکه سپاس بابت چیزهایی را که در زندگی داری شروع کنی، خودت هم مات و مبهوت می‌شوی که چطور به واسطه افکار بی‌پایان قدردانی چه چیزهای بیشتری به سوی تو می‌آید. تو باید استارت را بزنی، سپس قانون جذب آن افکار سپاس را دریافت می‌کند و چیزهای مشابه بیشتری را به تو برمی‌گرداند. تو روی فرکانس سپاس نگاه‌داشته می‌شوی و تمام چیزهای خوب مال تو خواهد شد. (برن، ۱۳۹۳: ۹۵)

همچنان که در آیه ۱۲ سوره لقمان به اهمیت شکرگزاری و تأثیر آن بر زندگی اشاره شده است:

... ان اشکر لله و من یشکر فانما یشکر لنفسه و من کفر فان الله غنی حمید؛... شکر خدا را به جای آور. هر کس شکرگزاری کند، تنها به سود خویش شکر کرده؛ و آن کس که کفران کند، چراکه خداوند بی‌نیاز و ستوده است.

و مولوی نیز این موضوع را این‌گونه بیان کرده است:

زان که بی شکری بود شرم و شنار می برد بی شکر را در قعر نار (مولوی، ۱۳۷۴: ۴۵)

برن نیز معتقد است اولین کار برای شروع هر حرکتی، سپاس از خداوند است:

هم‌اکنون برای متحول کردن زندگی‌ات چه کار می‌توانی انجام دهی؟ اولین کار، تهیه فهرستی از مواردی است که از بابت آن‌ها خدا را شاکر هستی. این کار موجب تغییر و تحول در انرژی طرز تفکرت می‌شود. به هر حال چه بسا قبل از این تمرین حواست را متوجه چیزهایی که نداشتی، شکایات و مشکلات کرده بودی. اما با انجام این تمرین در مسیری متفاوت قرار می‌گیری. همین حالات بابت تمام نعمت‌هایی که به تو داده شده است و در موردشان احساس خوبی داری، خدا را شکر کن. (برن، ۱۳۹۳: ۹۱)

اگر سپاس‌گزار باشی و بابت نعمت‌ها شکر به جای آوری، به وصال می‌رسی و مرادت برآورده می‌شود. (همان، ۹۳)

مولوی نیز این موضوع را این‌گونه بیان کرده است که اگر شاکر باشی و مطیع اوامر الهی باشی، قابل امر الهی می‌شوی

چون اشارت‌هاش را بر جان نهی در وفای آن اشارت جان‌دهی

تحلیل انتقادی سلوک معنوی مطرح شده در کتاب راز ... (سیدعلی سراج) ۶۳

پس اشارت‌های اسرار‌دهد باربر دارد ز تو کسارت دهد
حاملی محمول گرداند ترا قابلی مقبول گرداند ترا
قابل امر ویی قایل شوی وصل جویی بعد از آن واصل شوی

(مولوی، ۱۳۷۴: ۴۵)

۳.۴ شعورمندی موجودات

یکی از موضوعات مطرح شده در این کتاب، شعورمندی کائنات است.

یکی از آموزه‌های دینی که تأثیر بسیاری در مسیر هدایت انسان به سوی کمال دارد، شعور داشتن همه موجودات عالم است. این موضوع آنقدر در معارف دینی اهمیت دارد که در موارد پرشماری از قرآن کریم و روایات معصومان (ع) به آن اشاره شده است. (محیطی اردکان، ۱۳۹۳: ۴۰).

از نمونه‌های شعورمندی موجودات و کائنات که در قرآن به آن اشاره شده است، می‌توان به گواهی همگانی موجودات در روز قیامت (سوره نور/ ۲۴، یس/ ۶۵)، تسبیح موجودات (رعد/ ۱۳، انبیا/ ۷۹، فرقان/ ۱۸)، خشوع زمین، کوه و سنگ (فصلت/ ۳۹)، قنوت موجودات (روم/ ۲۶)، سجده موجودات (رعد/ ۱۵)، گریه آسمان و زمین (دخان/ ۲۹) و ... اشاره کرد. (همان، ۳۹-۷۰)

همچنین در عرفان اسلامی نیز به این موضوع پرداخته شده است. برای مثال مولوی در مثنوی به شعور کائنات و موجودات اشاره کرده است که تنها کسانی می‌توانند از این موضوع پی ببرند که اهل معرفت‌اند.

عالم افسردست و نام او جماد جامد افسرده بود ای اوستاد
باش تا خورشید حشر آید عیان تا ببینی جنبش جسم جهان
چون عصای موسی اینجا مار شد عقل را از ساکنان اخبار شد
پاره خاک ترا چون مرد ساخت خاک‌ها را جملگی شاید شناخت
مرده زین سواند و زان سو زنده‌اند خامش اینجا و آن طرف گوینده‌اند
چون از آن سوشان فرستد سوی ما آن عصا گردد سوی ما ازدها

کوه‌ها هم لحن داودی کند
باد حمال سلیمانی شود
ماه با احمد اشارت‌بین شود
خاک قارون را چو ماری در کشد
سنگ بر احمد سلامی می‌کند
ما سمیعیم و بصیریم و خوشیم
جوهر آهن بکف مومی بود
بحر با موسی سخن‌دانی شود
نار ابراهیم را نسرین شود
استن حنانه آید در رشد
کوه یحیی را پیامی می‌کند
با شما نامحرمان ما خامشیم

(مولوی، ۱۳۷۴: ۳۸۷)

همچنین سعدی به تسبیح کوه و درختان و شعورمندی کائنات اشاره کرده است.

آفرینش همه تنبیه خداوند دلست
دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار
این همه نقش عجب بر درودیوار وجود
هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار
کوه و دریا و درختان همه در تسبیح‌اند
نه همه مستمعی فهم کنند این اسرار

(سعدی، ۱۳۸۹: ۷۱۹)

در داستان راز نیز به شئورمندی کائنات اشاره شده است که همه ما یکی هستیم، و انسان اگر با کائنات وارد گفتگو شود، می‌تواند از طریق کائنات به خواسته‌هایش برسد.

همه ما به هم مرتبط هستیم. فقط متوجه آن نیستیم. هیچ انصافی در میان نیست. همه چیز در عالم به هم ارتباط دارد و آن تنها حوزه انرژی است. بنابراین به هر طرف بنگری نتیجه مشابه است. همه مایکی هستیم. همه به هم مرتبط هستیم. همگی مان جزئی از یک حوزه انرژی یا یگانه ذهن متعالی، یا شعور یگانه یا منبع خلاق یگانه هستیم. (برن، ۱۳۹۳: ۱۸۹)

در نظر برن ارزش کائنات برای انسان در این است که تأمین‌کننده همه چیزند: « کائنات منبع و تأمین‌کننده جهانی هر چیزی است. همه چیز از کائنات حاصل می‌شود و از طریق مردم، شرایط و وقایع، به واسطه قانون جذب به تو تحویل داده می‌شود.» (همان: ۱۹۰)

هرگاه آدمی چیزی (را با تمام وجود) بخواهد تمامی کیهان برای دستیابی وی به خواسته‌اش همدست می‌شود. همین مضمون را سعدی این‌گونه بیان کرده است:

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند
تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

تحلیل انتقادی سلوک معنوی مطرح شده در کتاب راز ... (سیدعلی سراج) ۶۵

همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار جای انصاف نباشد که تو فرمان نبری

(سعدی، ۱۳۸۹: ۲۹)

انسان با اینکه هرروز با کائنات در ارتباط است و از مواهب آنها برخوردار است؛ ولی به این موضوع اصلاً توجه نمی‌کند:

در جهت جریان رودخانه شناور هستی که احساس خواهی کرد به هیچ‌گونه تلاشی نیاز نیست. این است احساس اقدام الهام‌بخش که انسان در جهت کائنات و زندگی باشد. ... بعد که به عقب نگاه می‌کنی متوجه اعجاز و اصل مطلب می‌شوی که چگونه کائنات تو را به سوی هرآنچه می‌خواستی برده و آنچه را می‌خواستی برایت به ارمغان آورده است. (برن، ۱۳۹۳: ۷۰)

کائنات همه‌چیز دارد و در اختیار انسان‌های خوب می‌گذارد:

کائنات از طریق قانون جذب، همه‌چیز خوب به همه‌کس می‌دهد. تو توانایی این را داری که هر آنچه دلت بخواهد انتخاب کنی. دلت می‌خواهد همه‌چیز به حد کافی برای تو و هرکس دیگری وجود داشته باشد؟ سپس همین را انتخاب کن و بدان که وفور نعمت در همه‌چیز وجود دارد. (همان: ۱۷۷)

موارد متعددی از شعورمندی کائنات در کتاب راز وجود دارد که انسان در صورت ارتباط و همزیستی مسالمت‌آمیز و درک شعور کائنات می‌تواند از نعمت‌های آنها برخوردار شود. (برن، ۱۳۹۳: ۵۲، ۶۵، ۶۹، ۷۰، ۱۸۵ و ۱۹۰)

همان‌گونه که مشاهده شد در هر دو روش، هم در آثار عرفانی فارسی و هم در تئوری راز از شعورمندی کائنات بحث شده است. این نوع شعورمندی با آنچه در عرفان و متون دینی است، متفاوت است. شعورمندی کائنات در عرفان و متون دینی مربوط به درک مبدأ خویش و نشان از توحید محوری هستی و هدفمندی کائنات دارد، درحالی‌که در قانون جذب موجودات از این جهت که در خدمت لذت طلبی انسان هست، دارای درک و شعور معرفی شده‌اند. (شریفی دوست، ۱۳۹۱: ۱۶۰)

تفاوت عمده در این روش این است که شعورمندی کائنات در عرفان اسلامی به این دلیل است که نشانه و آیتی برای شناخت خداوند هستند و اینکه هیچ‌چیز در این عالم عبث آفریده نشده است و همه به تسبیح خداوند مشغول‌اند؛ ولی در تئوری راز شعورمندی

کائنات از این جهت است که در خدمت برآورده کردن امیال و خواست‌های مادی انسان است.

۴.۴ تلاش و پشتکار

در کتاب راز تأکید شده است که انسان هرچه به دست می‌آورد نتیجه تلاش و عمل وی است. این موضوعی است که متون دینی هم بر آن تأکید دارند. آیه ۳۹ سوره نجم بر این موضوع تأکید کرده است: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» انسان حاصلی جز سعی و تلاش ندارد. همان‌گونه که مولوی می‌گوید:

اندر این ره می‌تراش و می‌خراش تادم آخر دمی فارغ مباش
تادم آخر دمی آخر بود که عنایت با تو صاحب سر بود

(مثنوی ۱۳۷۴: ۸۳)

در نظر برن تفاوت افراد موفق با کاهلان در تلاش و پشتکار است:

تنها تفاوت افرادی که به این شیوه زندگی می‌کنند، یعنی آن‌هایی که در سحر و افسون زندگی روزگار می‌گذرانند و آن‌هایی که چنین کاری نمی‌کنند این است که گروه اول روش‌های عاداتی زندگی را دارند. آن‌ها عادت کرده‌اند که از قانون جذب در زندگی استفاده کنند و به هر جا می‌روند، انفجار آن برایشان رخ می‌دهد چون آن‌ها استفاده از آن را به خاطر دارند. آنان تمام مدت از آن استفاده می‌کنند و برایشان صرفاً رویدادی نیست که فقط یک‌بار رخ دهد. (برن، ۱۳۹۳: ۱۰۶)

سعدی نیز معتقد است:

در این مجلس آن‌کس به کامی رسید که در دور آخر به جامی رسید
طلبکار باید صبور و حمول که نشنیده‌ام کیمیاگر ملول

(سعدی ۱۳۸۹: ۲۸۴)

زیربنای تلاش و پشتکار، رقابت است و اگر تلاش و رقابت نباشد، انسان‌های زیرک نیز نمی‌توانند به خواسته خود برسند. به قول نظامی:

ای بسا تیز طبع کاهل کوش که شد از کاهلی سفال فروش

تحلیل انتقادی سلوک معنوی مطرح شده در کتاب راز ... (سیدعلی سراج) ۶۷

وای بسا کور دل که از تعلیم گشت قاضی القضاات هفت اقلیم

(نظامی، ۱۳۸۹: ۴۷۱)

رقابت نمونه‌ای از جداسازی است. در وهله اول، وقتی تو افکار رقابتی داری، ناشی از ذهنیت کمبود و فقدان است، گویی تو اظهار می‌کنی که موجودی محدود است و برای هر کس به حد کافی وجود ندارد. بنابراین ما مجبوریم برای به دست آوردن هر چیزی باهم رقابت کنیم. (برن، ۱۳۹۳: ۱۹۰ و ر.ک. ۷۰ و ۱۱۰)

۵.۴ تفکر مثبت و امید داشتن

یکی از راه‌های رسیدن به هدف و موفقیت، توجه به افکار مثبت است. در این راه باید از وسوسه‌ها و افکار بدی که انسان را بد می‌کند، دوری جست.

سریع‌ترین راه رسیدن به فرکانس احساس خوب این است که بگویی: هم‌اکنون در حال دریافت هستم. هم‌اکنون همه چیزهای خوب را در زندگی‌ام دریافت می‌کنم. هم‌اکنون (خواست‌ها را بگو) دریافت می‌کنم و آن را احساس کن، طوری که گویی دریافتش کرده‌ای. (برن، ۱۳۹۳: ۶۷)

در عرفان نیز تجربه دینی ناشی از افکار مثبت است و باید از افکار بد دوری کرد. اگر کسی در مسیر حرکت عرفانی خود، نگاه زیبایی شناسانه داشته باشد، همه خوبی‌ها و زیبایی‌ها را می‌بیند. به قول سعدی:

محقق همان بیند اندر ابل که در خوب رویان چین و چگل

(سعدی، ۱۳۸۹: ۳۶۰)

اگر مدت‌زمانی طولانی روی افکار منفی سماجت کنی، سروکله آن‌ها در زندگی تو پیدا می‌شود. اگر بابت داشتن افکار منفی نگران باشی، نگرانی بیشتری در مورد افکار منفی - ات جذب می‌کنی و درعین حال مقدار آن‌ها چندین و چند برابر می‌شود. از همین حالا تصمیم بگیر که افکار خوب به ذهن راه دهی. (برن، ۱۳۹۳: ۳۳)

این نوع نگاه باعث می‌شود انسان امید داشته باشد. در کتاب راز بر این نکته تأکید شده است که افکار منفی، یأس و ناامیدی به بار می‌آورد؛ ولی برعکس افکار مثبت، امیدواری به همراه دارد.

تا خیال و فکر خوش بر وی زند فکر شیرین مرد را فربه کند

(مولوی، ۱۳۷۴: ۹۳۷)

اتومبیلی را در نظر بیاور که در دل شب رانده می‌شود. چراغ‌های جلو فقط قدرت روش کردن جاده را تا فاصله پنجاه- شصت متری دارند و تو به همین نحو می‌توانی در دل شب از کالیفرنیا به نیویورک بروی. تنها چیزی که تو می‌بینی، فاصله پنجاه شصت متری خودت است. زندگی هم به همین نحو پیش روی ما آشکار می‌شود. اگر ما اعتقاد داشته باشیم که بعد از شصت متر اول باز هم شصت متر بعدی در نظرمان آشکار می‌شود و همین‌طور شصت متر و شصت متر بعدی، سرانجام تو به سرمنزل مقصود می‌رسی چون خودت این‌طور خواسته‌ای. (برن، ۱۳۹۳: ۷۲)

در معارف دینی تفکر از این جهت مورد توجه قرار گرفته که ابزار پیوند انسان با خالق است، نه از این نظر که ابزار دعوت انسان به دنیاخواهی و فزون‌طلبی و وسیله غرق نمودن انسان در رفاه و ثروت و لذت است. تفکر به این دلیل که از نظر روحی و معنوی تعالی- بخش است، مورد تأکید قرار گرفته، نه از این جهت که به انسان محوری ختم می‌شود. بنابراین تفکری در دین ارزشمند است که در خدمت خودسازی و تعالی روحی انسان به کار گرفته شود، نه تفکری که انسان را بیشتر و بیشتر در دنیامداری و رفاه‌طلبی و رفاه‌محوری غرق نماید.

در ادبیات عرفانی نیز افکار بد، وسوسه‌های شیطانی محسوب می‌شود که به ناامیدی را در انسان تقویت می‌کند. خوف و رجا دو تا از احوال عرفانی است. سالک با دوری از افکار نادرست و وسوسه‌های شیطانی، امید وصال دارد و نباید به هیچ‌وجه ناامید بود.

کوی نومیدی مرو امیدهاست سوی تاریکی مرو خورشیدهاست

(مولوی، ۱۳۷۴: ۳۵)

هان مشو نومید نور از آسمان حق چو خواهد می‌رسد در هر زمان

(همان، ۵۷۸)

نامیدی نشانه ضعف ایمان و عقیده است:

آن فرح آید ز ایمان در ضمیر ضعف ایمان ناامیدی و زحیر

(همان، ۲۰۵)

اگر آرزوها متوجه ارزش‌های والای انسانی باشد یا جنبه مردمی و اجتماعی پیدا کند و در مسیر تکامل و پیشرفت واقعی انسان‌ها و درجات کمال قرار گیرد و انسان را به تلاش و کوشش بیشتر در این راه‌ها وادارد، بی‌گمان هر قدر طولانی بوده باشد، نه تنها نشانه پستی نیست، بلکه نشانه کمال انسان است. آرزوهای صادق و مثبت و سازنده باعث می‌شود زندگی انسان نشاط و معنویت بیشتری بیابد. (اسحاقیان درچه، ۱۳۹۵: ۱۷۱)

در قرآن نیز به این موضوع اشاره شده است. «المال و البنون زينه الحياه الدنیا و الباقیات الصّالحات خیر عند ربّک ثواباً و خیر املاً» (کهف/ ۴۶) مال و فرزندان زیور حیات دنیاست و باقیات صالحات (ارزش‌های پایدار و شایسته) نزد پروردگارت ثوابش بهتر و امیدبخش‌تر است.

در کتاب راز، بهره‌برداری از نیروی فکر و اندیشه در مسیر آرزوها، برای رسیده به حقایق و اهداف متعالی نیست؛ بلکه این نوع اندیشه تنها ابزاری برای رسیدن به بیشترین خواسته‌های نفسانی به شمار می‌رود که بر پایه خرد جزئی استوار است. (اسحاقیان درچه، ۱۳۹۵: ۱۷۶)

مؤلفه‌های امید و آرزو در کتاب راز:

۱. تخیل در مفهوم آرزو ۲. نفی هرگونه دغدغه و مسئولیت اجتماعی و ایده (مخالفت نکردن با امور منفی): این شعار خواسته یا ناخواسته در خدمت آمال و نقشه‌های متجاوزان و نظام جهانی سلطه است و در مقابل آن، انسان‌های معنویت‌گرا را ظلم‌پذیر و بسترساز تداوم بی‌عدالتی موجود خواهد نمود؛ زیرا این ایده که برضد هیچ‌چیز نباید جبهه‌گیری کنید، دست تبهکاران را در چپاول و ظلم بازتر خواهد کرد و زمینه نظام سلطه جهانی موسوم به دهکده جهانی را فراهم می‌کند.

۳. مبانی معرفتی مبتنی بر تلقین و احساس: طرفداران تئوری راز، با تکیه بر شادی، امید و اعتمادبه‌نفس، مطالب خود را واقعی و تحقق‌یافته جلوه می‌دهند. (همان، ۱۷۷-۱۷۹)

فرق این تئوری با عرفان اسلامی این است که امید و آرزو در عرفان اسلامی برای وصال به محبوب است (توجه به مفهوم رجا در عرفان)؛ ولی در تئوری راز، تنها از ثروت و کامیابی دنیوی بحث می‌گردد. (همان: ۱۸۵)

نکته دیگر این است که در کتاب راز افراد تنها به عیش و خوشی فکر می‌کنند و هیچ‌گاه کسی به جهاد با نفس که این‌همه در عرفان از آن سخن گفته‌شده، ترغیب نمی‌شود و تنها سخن از این است که افکار منفی را از خودت دور کن و منظور از افکار منفی، ناکامی‌های این جهانی است. (شریف دوست، ۱۳۹۱ الف: ۹۹-۱۱۶)

۶.۴ مراقبه و دعا

یکی از آموزه‌هایی که می‌تواند انسان را به آرامش ذهنی برساند، از نظر برن، مراقبه و دعاست. «مراقبه ذهن‌ت را آرام می‌کند، باعث می‌شود کنترل افکارت را در دست بگیری و جسمت را احیا می‌کند.» (برن، ۱۳۹۳: ۳۴)

در این اثر، مراقبه، تعبیری از دعاست. این دو اصطلاح در این اثر به این معناست که فرد خواسته خود را به صورت ذهنی مجسم کند و نسبت به خواسته خود احساس خوبی داشته باشد، به آرامش دست پیدا می‌کند و در ادامه نیز خواسته‌اش برآورده می‌شود.

«وقتی دعا می‌کنی، باور کن که خواسته‌هایت را دریافت کرده‌ای و به این صورت به آن‌ها می‌رسی.» (همان، ۶۸)

در کتاب‌های عرفانی، مراقبه یکی از ارکان سیر و سلوک است. در عرفان سالک باید مواظب اعمال و رفتار خودش باشد و در این حالت باید به تأمل در افکارش پردازد و از وسوسه شیطانی دوری گزیند و به بی‌اعتباری دنیا، زودگذری آن، بی‌میلی به دنیا و مواردی از این دست توجه کند. همچنین سالک در این مسیر به راز و نیاز به معشوق می‌پردازد و به مناجات به درگاه خدا می‌پردازد که دعا نام دارد. دعا و مراقبه هر دو در عرفان از اهمیت بالایی برخوردارند.

مولانا اعتقاد دارد، دعا عین اجابت است:

نیک بنگر اندر این ای محتجب که دعا را بست حق بر استجب

(مولوی، ۱۳۷۴: ۴۴۲)

تحلیل انتقادی سلوک معنوی مطرح شده در کتاب راز ... (سیدعلی سراج) ۷۱

برن نیز معتقد است: « باور کن هر آنچه را در دعا و مناجات خود درخواست کنی، دریافت خواهی کرد.» (برن، ۱۳۹۳: ۶۸)

البته در عرفان برای دعا شرایطی وجود دارد نظیر اینکه دعاکننده باید عظمت خداوند را به یاد آورد، هر چیزی را از خدا طلب نکند، چه بسا موجب هلاک او باشد (ر.ک. داستان دزدیدن مارگیری، ماری را از مارگیر دیگر، مثنوی مولوی، دفتر دوم) در راز نیز بر این موضوع تأکید شده است که وقتی می‌خواهی ارتباطی را جذب کنی، اطمینان حاصل کن که افکار، کلام، اعمال و محیط تو با خواسته‌هایت در تضاد نباشد. (همان، ۱۴۵)

۷.۴ خودشناسی و شعور خلاق انسان

یکی از مضامین و موضوعات اصلی عرفانی اسلامی که شاعران بزرگ فارسی، بسیار بر آن تأکید کرده‌اند، خودشناسی است. در متون دینی نیز تأکید بسیاری بر خودشناسی شده است (مائده/ ۱۰۵، فصلت/ ۵۳، حشر/ ۱۹ و ...). همچنین حدیث مشهور «من عرف نفسه فقد عرف ربه» که به پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) نسبت داده‌اند، نیز در همین معناست. در ادبیات عرفانی نیز بر شناخت خود بسیار تأکید شده است.

حافظ نیز همین حسرت و تحیر درباره شناخت خود را نیز این‌گونه بیان می‌کند:

سال‌ها دل طلب جام جم از ما می‌کرد و آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد
گوهری کز صدف کون و مکان بیرون بود طلب از گمشدگان لب دریا می‌کرد

(حافظ ۱۳۷۹: ۵۱)

مولوی نیز اصل علم و دین را شناخت خود می‌داند:

جان جمله علم‌ها این است این که بدانی من کیم در یوم دین
از اصولینت اصول خویش به که بدانی اصل خود ای مرد مه

(مولوی، ۱۳۷۴: ۴۵۷)

برن نیز تأکید می‌کند که انسان دارای شعور خلاق است و برای رسیدن به هر هدفی باید به خودش رجوع کند و به قول مولوی:

بیرون ز تو نیست هرچه در عالم هست در خود بطلب هر آنچه خواهی که توئی

(مولوی، ۱۳۶۳: ۱۷۵۹)

«اگر فکر می‌کنی که آدمی ناچیز هستی و در این دنیا قدرتی نداری، مجدداً فکر کن در واقع ذهن تو، دنیای اطرافت را شکل می‌دهد.» (برن، ۱۳۹۳: ۳۲) و معتقد است شاهکار زندگی خود انسان است: «تو دلت می‌خواهد از افکار خودت آگاه باشی و افکارت را با دقت انتخاب کنی و دلت می‌خواهد در این زمینه سرگرم شوی، چون تو شاهکار زندگی خودت هستی.» (همان: ۳۴)

برن معتقد است هرچه در عالم است برای خاطر انسان است و باید قدر این موهبت را بداند و جلال و شکوه خودش را بپذیرد.

برای خاطر توست که کره خاکی دور مدار خود می‌چرخد. جزر و مد دریا برای خاطر توست. پرندگان برای خاطر تو آواز می‌خوانند. خورشید برای تو طلوع و غروب می‌کند. ستارگان برای خاطر تو رخ می‌نمایند. هر چه زیبایی که می‌بینی، هر چیز معرکه‌ای که تجربه می‌کنی، همه و همه برای خاطر وجود تو موجود بشری است. نگاهی به دور و بر خودت بینداز. بدون تو هیچ کدام از اینها وجود نداشت. تو وارث این قلمرو هستی. تو مطلوب حیات هستی و تو از راز آگاه هستی. (همان: ۲۱۳-۲۱۴)

همان‌گونه که در قرآن آمده که خداوند از روح خود در انسان دمیده است، برن نیز معتقد است انسان با روح بزرگی که دارد، قادر است به همه خوبی‌ها دست یابد.

ما معمولاً در مورد آنچه جسم مادی یا قالب فیزیکی نامیده می‌شود، منحرف می‌شویم. این جسم فقط روح تو را در خود جای داده است و روح تو به قدری بزرگ است که یک اتاق را پر می‌کند. روح تو جاودانی است. خدا از روح خودش در تو دمیده است تا خوبی‌ها را از خود ساطع کنی. (همان: ۱۹۱)

وی معتقد است، انسان خلیفه‌الله است و قدرت انسان به این دلیل است که از ذات لایزال الهی نشأت گرفته است:

تو قدرتی عظیم و بی‌کران داری که دنیای خودت را خلق کنی. قدرت تو نشأت گرفته از قدرت لایزال الهی است. شاید تا این مرحله چیزهایی به وجود آورده باشی که شگفت‌انگیز و شایسته توست. شاید هم چیزی به وجود نیاورده باشی. (همان: ۱۹۲)

۸.۴. دنیامداری و رفاه‌طلبی غایت و هدف راز

عرفا به شیوه‌های مختلف سعی در آن دارند که انسان را از گرفتاری در دام مادیات و آنچه مانع وصال به محبوب ازلی است، باز دارند. در تئوری راز تأکید شده که انسان با تفکر خود و توجه به امور ذهنی خود، قادر است به همه آنچه می‌خواهد، دست پیدا کند؛ «غایت کار تئوری راز، رسیدن به ثروت و مقام و موقعیت‌های مادی ویژه است.» (اسحاقیان درجه، ۱۳۹۵: ۱۸۲) این در حالی است که در عرفان، بسیاری از گرفتاری‌های بشر، تکیه بر دانش-های تجربی است که انسان را از شناخت خود در مقام خلیفه الهی بازمی‌دارد.

صد هزاران فضل داند از علوم جان خود را می‌ندانند آن ظلوم
داند او خاصیت هر جوهری در بیان جوهر خود، چون خری

(مولوی، ۱۳۷۴: ۴۵۷)

مهم‌ترین ادعای قانون جذب، قدرت خداگونه ذهن است. ذهن انسان قادر است بر پدیده‌های خارج از وجود انسان اثر گذارد و امور بیرون از وجود انسان را به سودش تغییر دهد. به عبارت دیگر قانون جذب ادعایی درباره تأثیر افکار بر روان و درون انسان ندارد، بلکه ادعایش در مورد تأثیر افکار بر امور خارج از وجود انسان است، به این صورت که با استفاده از نیروی خلاق ذهن، می‌توان بر امور بیرون از جسم انسان، تأثیر گذاشت.

محور دوم این است که ذهن انسان می‌تواند خلق و آفرینش کند و هرچه را مثبت یا منفی، تجسم نماید، به صورت یقینی در عالم خارج به وقوع می‌پیوندد. (شریفی دوست، ۱۳۹۱: ۱۵۴-۱۵۵)

در قانون جذب مهم طلب خوب است نه مطالبه‌گر خوب؛ یعنی از آنجاکه تربیت انسان الهی در جذب مطرح نیست، هرکسی که هدفی را انتخاب نماید، صرف‌نظر از اینکه آن هدف، الهی و یا شیطانی باشد، به‌عنوان یک ارزش در کائنات ایجاد می‌شود و مطالبه‌گر به هدف خود دست می‌یابد. (شریفی دوست، ۱۳۹۱: ۱۶۶)

موضوع مهمی که در تئوری راز بر آن تأکید شده، لذت‌ها و آرامش ناشی از آن است؛ درحالی‌که در اندیشه عرفان حقیقی و انسان‌ساز، لذت‌های مادی، فانی‌اند و تاسه و پریشانی برای انسان می‌آورند؛ ولی لذت‌های معنوی و روحی، باعث می‌شود انسان به آرامش کامل برسد.

راه لذت از درون دان، نه از برون ابلهی دان جستن قصر و حصون
آن یکی در کنج مسجد مست و شاد و آن دگر در باغ، ترش و بی‌مراد

(مولوی، ۱۳۷۴: ۱۰۷۳)

از نکات قابل توجه این گونه محوریت دادن به خواسته‌ها و تمنیات آدمیان، محصول رویش بذر سکولاریسم و دنیاگرایی است که از زمین اومانیزم روییده است؛ یعنی همان نظام معرفتی که انسان را محور هستی می‌داند و خواسته، لذت و امیال او را اصیل‌ترین اصل در نهاد انسانی می‌داند و بالتبع همین خواسته‌ها را مبنای نظام تشریح قرار می‌دهد. بنابراین طبیعی است در جذب، حرفی از خوبی و بدی مطلوب‌ها نیست و نظام ارزشی‌ای فراتر از میل و طلب انسان تصویر نمی‌شود. (شریفی دوست، ۱۳۹۱ ب: ۱۶۷)

به همین جهت است که اریک فروم مدعی است، باید محبت به انسان و عدالت را جانشین خدا نمود و سخن از خدا را کنار گذاشت. (فروم، ۱۳۵۹: ۵۰-۵۲)

در دین‌داری پست‌مدرن، سه ویژگی مشاهده می‌شود: مسرت بخشی، کالایی شدن و شغابخشی. دین پست‌مدرن، دینی است خادم که انسان آن را برحسب نیازهای رفاهی خود می‌تواند به خدمت بگیرد و مصرف کند. در جامعه‌ای که فرهنگ مصرفی بر آن حاکم است، دین مجبور است آنچه را ارائه می‌کند، برای مشتریان بالقوه خود جذاب باشد. (حمیدیه، ۱۳۹۵: ۵۵)

دوم اینکه در چنین نظام معرفتی، ارزش انسان نه در بعد الهی و ملکوتی او، بلکه در خرد زمینی و عقل معاندانیش اوست. نتیجه آنکه خردگرایی و عقل‌گرایی اصالت پیدا می‌کند و در نهایت رفاه و تنعم انسان و خوشی و لذات او تعیین‌کننده مطلوب‌های اوست و بهسازی زندگی انسان، به جای قرب الهی و کمال معنوی او می‌نشیند. قانون جذب محصول تفکر اومانیزستی (انسان‌مداری) در غرب است که در پی آن دین و وحی از صحنه اجتماع کنار گذاشته شد و همه چیز با محور خواست آدمی ارزش پیدا کرد. (شریفی دوست، ۱۳۹۱ ب: ۱۶۷)

در چنین نگرش اومانیزستی با محوریت دادن به خواست و تمنیات انسان، اهداف متعالی و معنوی فراموش می‌شود و به جای آن، زندگی این جهانی و تجربه لذت بیشتر، در صدر

تحلیل انتقادی سلوک معنوی مطرح شده در کتاب راز ... (سیدعلی سراج) ۷۵

خواسته‌های انسان می‌نشیند و در نتیجه انسان بیش از همه به فراموشی عاقبت و آخرت سوق پیدا می‌کند. (همان: ۱۸۴)

نکته جدید که در تئوری راز اضافه شده، این است که نه فقط نظام تشریح، بلکه نظام تکوین هم در خدمت آمال و آرزوهای انسانی و تمنیات اوست. عبارت «فرمانبردارم سرورم» که به عنوان زبان حال کائنات، بلکه «قوی‌ترین قانون کائنات» در قانون جذب بارها تکرار می‌شود، نشان‌دهنده این است که آنچه در قانون جذب ارزشمند معرفی می‌شود، پرداختن به حواشی این جهانی است، نه تعالی معنوی و خودسازی اخلاقی. (همان: ۱۶۷)

نکته مهمتر این است که تئوری راز نه تنها انسان را به کسب فضایل اخلاقی دعوت نمی‌کند، بلکه یکی از خطرناک‌ترین امیال انسانی، یعنی «آز و طمع» را فعال نموده و بر ساحت‌های متعالی روح انسان حکمفرما می‌کند. (همان: ۱۸۴)

۵. نتیجه‌گیری

دور افتادن آدمی از طبیعت ناب، استیلای جهان‌بینی کمی، حاکمیت روح خشونت، نهادینه شدن سبک زندگی تکنیکی و ماشینی، کشاکش خانواده با رابطه ناب و مسائل اجتماعی، بحران عاطفی - هویتی، از جمله نتایج و محصول نهادینه شدن سبک زندگی سرمایه‌داری در زندگی بشر امروزی است. با توجه به مشکلاتی که عقل جدید پس از زلزله‌های معرفتی کانت و هیوم و نیچه بدان دچار شد، بشر جدید در سده بیستم بیشتر از هر زمان دیگر گرفتار بحران هویت و بحران معنا در زندگی خود است. علت اصلی آن را مبنای گرافتن عقلانیت صرف ابزاری در دستگاه معرفتی مدرنیته می‌دانند که در شناخت واقعی ماهیت انسان و جهان و زندگی اجتماعی ناکام مانده است و صرفاً بر یک ساحت زندگی افراد تأکید کرده است. عقل جدید عقلی است که میان سوژه شناسایی و موضوع شناسایی تمایز قایل شده است. این تمایز راه و ارتباط عقل انسان و جهان را قطع کرده است. قبل از جهان مدرن، انسان در جهان وجود داشت. به همین جهت احساس تنهایی نمی‌کرد و دچار بی‌معنایی نبود.

فرد رها شده در جامعه و تلاش مذبوحانه او برای زندگی کردن یکی از ویژگی‌های مشترک شخصیت‌های انسان امروزی است. مطابق اغلب نظرات نظریه‌پردازان غربی که تلاش می‌کنند بر نقاط ضعف مدرنیته سرپوش بگذارند و نقاط قوت آن را تقویت کنند،

تمسک به نظامی از باورهای معنوی و مذهبی یکی از کشش‌های درونی چنین انسانی است. او نیاز دارد تا درباره ماهیت زندگی، مرگ، هویت و دیگران پاسخی داشته باشد؛ حتی نظام معنوی مناسب گرایي که بتواند موقتاً فرد را جذب خود کند، برای بشر مدرن مغتنم شمرده می‌شود. یکی از دلایل عمده استیصال شخصیت‌ها، وجود خانواده‌های آسیب‌دیده است. فقدان پناهگاه و پيله محافظتی امنی که بتواند آلام انسان را تسکین دهد، فرد را در جامعه تنها می‌گذارد. در چنین بستری است که شک بنیادین نسبت به زندگی اجتماعی و هویت شخصی سر برمی‌آورد. بر همین مبنا برخی از اندیشمندان غربی سعی کردند از طریق ایجاد و تثبیت تفکرات عرفانی به این خلأ بحرانی موجود در غرب سرپوش بگذارند. داستان راز یکی از مهم‌ترین اثری است که بر همین مبنا با نگاهی که به عرفان دارد و آن را دواي شفاعت بخش انسان امروزی می‌داند، مورد نگارش قرار گرفته است؛ اما عرفان و سلوک معنوی مطرح شده در این اثر، متفاوت از آن چیزی است که در آثار عرفانی مورد توجه و تأکید است.

این داستان بیانگر نوعی سلوک عرفانی است که معتقد است افکار انسان خاصیت مغناطیسی دارد و قادر است در زندگی هر فردی تغییر ایجاد کند و افکار خوب مانند امید، اعتماد، ایمان و خوش‌بینی می‌توانند خوشبختی و ثروت به ارمغان آورند؛ درحالی‌که افکار بد مانند منفی‌گرایی، ترس و خشم می‌تواند مانع خوشبختی باشد.

با خواندن محتویات این کتاب نگارنده به این نتیجه رسیده است که بشر جدید در سده بیستم بیشتر از هر زمان دیگر گرفتار بحران هویت و بحران معنا در زندگی خود است. علت اصلی آن را مبنا قرا گرفتن عقلانیت صرف ابزاری در دستگاه معرفتی مدرنیته است که در شناخت واقعی ماهیت انسان و جهان و زندگی اجتماعی ناکام مانده است و صرفاً بر یک ساحت زندگی افراد تأکید کرده است. عقل جدید عقلی است که میان سوژه شناسایی و موضوع شناسایی تمایز قایل شده است. این تمایز راه و ارتباط عقل انسان و جهان را قطع کرده است، بر همین مبنا ضروری است عرفان و ادراک شهودی در دستور کار قرار گیرد.

در کتاب راز نیز آمده که هر چه در زندگی انسان اتفاق می‌افتد و سرنوشتش، نتیجه عمل و اندیشه خود اوست و هر چه از وی سر می‌زند، نتیجه اندیشه اوست. بنابراین انسان با استفاده از پشتکار و تلاش و احساس خوب می‌تواند به اهداف خود دست یابد؛ اما

تحلیل انتقادی سلوک معنوی مطرح شده در کتاب راز ... (سیدعلی سراج) ۷۷

اهدافی که به ثروت و منافع دنیوی و مادی منجر می‌شود. هدف اصلی در کتاب راز، رسیدن به خواسته‌های مادی و ثروت و مقام مادی و دنیوی است. موضوعی که در عرفان اسلامی کاملاً نفی شده است. البته مادیات در صورتی که در راستای رسیدن انسان به سعادت اخروی باشد، پسندیده است؛ ولی در صورتی که انسان بنده و بردهٔ مادیات شود، بسیار مذموم است. لذا عرفا به شیوه‌های مختلف سعی در آن دارند که انسان را از گرفتاری در دام مادیات و آنچه مانع وصال به محبوب ازلی است، باز دارند.

کتاب‌نامه

آزمندیان، علیرضا (۱۳۸۸)؛ تکنولوژی فکر؛ تهران: مؤلف.
اسحاقیان درچه، جواد (۱۳۹۵)؛ «بررسی تطبیقی مفهوم و مفاهیم آرزو بین متون دینی با تأکید بر ادعیه و زیارات مهدوی و فرضیهٔ جذب»؛ مشرق موعود؛ سال دهم، شمارهٔ ۳۹، صص ۱۶۷-۱۸۸.

برن، راندا (۱۳۹۳)؛ راز؛ ترجمهٔ نفیسه معتکف؛ چاپ چهل و نهم، تهران: لیوسا.
بنتون‌تد و یان کرایب (۱۳۸۶)؛ فلسفه علوم اجتماعی: بنیادهای فلسفی تفکر اجتماعی؛ ترجمه: شهناز مسمی پرست و محمود متحد؛ تهران: نشر آگه.
حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۷۹)؛ دیوان حافظ شیرازی؛ تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی؛ چاپ اول، تهران: مؤسسهٔ نشر جهان دانش.
حمیدیه، بهزاد (۱۳۹۵)؛ «دین‌داری پست‌مدرن و ازخودبیگانگی ملی»؛ ادیان و عرفان؛ سال ۴۹، شمارهٔ اول، صص ۴۷-۶۵.

خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۰)؛ جریان‌شناسی ضد فرهنگ‌ها؛ قم: تعلیم و تربیت اسلامی.
دورکیم، امیل (۱۳۹۲)؛ درباره تقسیم کار؛ ترجمه باقر پرهام؛ تهران: مرکز.
زیمل، گئورگ (۱۳۷۳)؛ «پول در فرهنگ مدرن»؛ ارغنون؛ ترجمهٔ یوسف اباذری؛ شمارهٔ ۳، صص ۳۲۵-۳۳۸.

سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۸۹)؛ کلیات سعدی (گلستان، بوستان، غزلیات، قصاید، قطعات و رسائل)؛ به اهتمام محمدعلی فروغی؛ چاپ ۱۵، تهران: امیرکبیر.
شریفی دست، حمزه (۱۳۹۱ب)؛ «قانون جذب»؛ مطالعات معنوی؛ شمارهٔ ۳، صص ۱۵۱-۱۹۰.
شریفی دوست، حمزه (۱۳۹۱الف)؛ «دعا در اندیشهٔ رهبری و مقایسهٔ آن با قانون جذب»؛ مکاتبه و اندیشه؛ شمارهٔ ۴۳، صص ۹۹-۱۱۶.

- شریفی، احمدحسین (۱۳۸۹)؛ درآمدی بر عرفان حقیقی و عرفان‌های کاذب؛ قم: به‌آموز.
- شفیعی سروستانی، ابراهیم (۱۳۸۵)؛ جریان شناسی دفاع از حقوق زنان در ایران؛ قم: کتاب طه.
- صادقی فسایی، سهیلا، عرفان منش، ایمان (۱۳۹۴)؛ «بازنمایی بحران معنا و خانواده در فیلم‌های گانزالس ایناریتو»؛ مجله جهانی رسانه؛ شماره ۱، صص ۵۷-۷۲.
- عابدی، محمدرضا و میرجلیل اکرمی (۱۳۸۶)؛ «عرفان پست‌مدرن و عرفان اسلامی؛ تفاوت‌ها و رویکردها»؛ پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)؛ شماره ۴، صص ۶۱-۹۰.
- فروم، اریک (۱۳۵۹)؛ روانکاوی و دین؛ ترجمه آرسن نظریان؛ چاپ چهارم، تهران: انتشارات پویش.
- گاردتر، ویلیام (۱۳۸۶)؛ «جنگ علیه خانواده»؛ ترجمه معصومه محمدی؛ تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۲). تجدد و تشخص جامعه و هویت شخصی در عصر جدید؛ ترجمه ناصر موفقیان؛ تهران: نشر نی.
- لطیفی، زهره و نسیم استکی آزاد (۱۳۹۳)؛ «نسبت بین آگاهی و گرایش به عرفان اسلامی در فرایند هویت یافتگی»؛ مطالعات ملی؛ شماره ۶۰، صص ۷۳-۹۴.
- هی، لوییز (۱۳۷۵)؛ شفای زندگی؛ ترجمه گیتی خوشدل؛ چاپ نهم، تهران: دنیای مادر.
- محیطی اردکان، محمدعلی (۱۳۹۳)؛ «بررسی تبیین علامه طباطبایی از شعور همگانی موجودات در تفسیر المیزان»؛ معرفت فلسفی؛ سال ۱۱، شماره ۴، صص ۳۹-۷۰.
- مرتضوی باروق، سیدعلی (۱۳۸۴)؛ «سنخیت و جذب در مثنوی مولوی»؛ کیهان فرهنگی؛ شماره ۲۳۰، صص ۵۶-۶۱.
- مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۷۴)؛ مثنوی معنوی؛ تصحیح نیکلسون؛ چاپ دوم، تهران: انتشارات پژوهش.
- مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۶۳)؛ کلیات شمس تبریزی؛ تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر؛ چاپ دهم، تهران: امیرکبیر.
- نظامی، الیاس بن یوسف (۱۳۸۹)؛ خمسه نظامی؛ به کوشش سعید حمیدیان؛ چاپ چهارم، تهران: نشر قطره.